

واکاوی واقعه تاریخی نردین و چرای قتل عام خوانین گوکلان

ستاربردی فجوری^۱
رجبعلی وثوق مطلق^۲
امید سپهری راد^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۵

چکیده:

روابط ترکمن‌ها با دولت مرکزی ایران در عصر قاجار دارای نوساناتی بوده است. از وقایعی که موجب درگیری بین ترکمن‌ها و دولت مرکزی شده، واقعه تاریخی نردین است. این واقعه از مهمترین رویدادهای تاریخی ترکمن‌ها است که در اواخر دوره قاجاریه در زمان سلطنت احمد شاه قاجار به وقوع پیوست. این واقعه تاریخی در حالی رخ داد که محمد علی شاه مخلوع در اقدام نافرجام خود برای قدرت یابی با کمک ایلات و عشایر، علی‌الخصوص ترکمن‌ها و حضور در گمش تپه تلاش‌هایش با شکست روبرو شد. در چنین اوضاع و احوالی که قدرت مرکزی تضعیف شده و هرج و مرج در مملکت بیداد می‌کرد، قحطی و زمستان سخت سال ۱۲۸۹ ش. ترکمن‌ها را در متن مشکلات قرار داد و در نهایت به واقعه نردین و قتل عام خوانین گوکلان ترکمن ختم شد.

سوال اصلی تحقیق چرایی و چگونگی قتل عام خوانین گوکلان می‌باشد؟ که مقاله در صد پاسخگویی به آن با استفاده از روش تحقیق تاریخی که مبتنی بر توصیف و تحقیق می‌باشد. یافته‌های تحقیق نیز حاکی از آن است وقوع قحطی و گرسنگی و نبود آذوقه عامل اصلی وقوع بحران بود و سوء مدیریت حکام استرآباد، نردین و بجنورد نیز شرایط را مضاعف نموده است. **کلید واژه‌ها:** ترکمن، واقعه نردین، گوکلان، قاجار، بجنورد.

^۱ دانشجوی دکتری تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران (sattar5042@yahoo.com)

^۲ استادیار گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران (نویسنده مسئول) (ra.mottagh@yahoo.com)

^۳ استادیار گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران (omid_sepehri@yahoo.com)

مقدمه:

یکی از وقایع مهم تاریخی پس از قرارداد آخال در منطقه ترکمن نشین استرآباد، قتل عام خوانین ترکمن گوکلان توسط حاکم نردین بود. در شکل گیری این رخداد تاریخی عوامل متعددی دست به دست هم دادند که می توان دست روس ها را نیز به عنوان یکی از عوامل موثر آشکار است مشاهده کرد. در واکاوی این واقعه تاریخی توجه زیادی نشده و منابع تاریخی این دوره نیز کمتر به آن پرداخته اند. هدف از این تحقیق بررسی واقعه تاریخی نردین و چرایی قتل عام خوانین گوکلان می باشد. به لحاظ پیشینه تحقیق هیچ گونه تحقیق جامع و کاملی در این خصوص نگاشته نشده است. واقعه نردین و قتل عام خوانین ترکمن از جمله وقایعی است که در میان ترکمن ها از آن به تلخی یاد می شود که این مهم و واکاوی و چرایی آن مستلزم یک پژوهش جامع و کامل می باشد. از آن جایی که گروهی از فرزندان قربانیان این واقعه در قید حیات بوده و حاوی اطلاعات شفاهی که به صورت سینه به سینه به آن ها انتقال یافته می باشند، حفظ و ضبط این اطلاعات ضرورت نگارش این مقاله را دو چندان نموده است.

این مقاله با تکیه بر اسناد و مستندات تاریخی موجود و نیز سایر منابع، در صدد پاسخگویی به سوال تحقیق می باشد. هم چنین نتایج مطالعات میدانی نگارنده، مصاحبه با مطلعین و صاحب نظران امر نیز به عنوان منابع شفاهی مورد استناد قرار گرفته است. جاده مواصلاتی تهران به مشهد که از مسیر شاهرود می گذرد یکی از جاده های مهم و حیاتی محسوب می شد که معمولاً بنا به دلایلی مورد تاخت و تاز ترکمانان قرار می گرفت. روس ها علاقه مند بودند که در این منطقه و خط ارتباطی، نفوذ پیدا کرده و مالکیت منطقه را از آن خود نمایند. در گزارش کارکنان وزارت جنگ انگلستان در اهمیت استراتژیکی شاهرود آمده است که شاهرود به قدری به آشوراده نزدیک است که روس ها به طور غافلگیرانه می توانند آن جا را تسخیر نمایند. در صورت تسخیر دره شاهرود - بسطام، نیروهای نظامی روس در بالای دره گرگان، کفر و سلطان میدان پیشروی نموده به مشهد برسد. (کارکنان وزارت جنگ انگلستان، ۱۳۸۰: ۶۰۵)

ترکمن های گوکلان گرگان و دشت

ترکمن های ایران غالباً به دو گروه و قبیله بزرگ یموت و گوکلان تقسیم می شوند. گوکلان ها یکی از بزرگترین طوایف ترکمن ساکن در گرگان و دشت هستند. هرچند که طوایف دیگر از جمله تکه، نخورلی، سالور و طوایف مقدس از جمله شیخ، عطا، خوجه و غیره هم در کنار آن ها زندگی می کنند. ترکمن های گوکلان در حال حاضر در شرق استان گلستان و قسمتی نیز در منطقه جرگلان خراسان شمالی سکونت دارند. آنان در تحولات تاریخی ایران به ویژه در دوره قاجاریه نقش بسزایی

داشته اند، فتحعلی خان قاجار و محمد حسن قاجار همیشه تحت حمایت ترکمن ها بوده اند. ترکمن ها، قاجارها به ویژه آقا محمد خان قاجار را حمایت کرده و موجبات تاسیس سلسله قاجاریه را فراهم آوردند. به قول وامبری؛ اگر شمشیر ترکمن ها نبود آقا محمد خان هرگز موفق به تشکیل حکومت قاجارها نبود. (وامبری، ۱۳۷۴: ۴۱۸) اما آن ها خیلی زود، مخصوصاً در دوره فتحعلی شاه قاجار از دربار طرد شده و جای خود را به دیگران دادند. ترکمن ها در این دوره در سرزمین خود یعنی گرگان و دشت نیز شاهد تحولات مختلف تاریخی بودند و درگیری های آن ها با حاکمان استرآباد، شاهرود، بجنورد و حتی قوچان و سمنان هم چنان ادامه داشت. در خیلی از موارد خود حاکمان به این درگیری ها دامن می زدند که آن را در راستای پر کردن جیب خود می دانستند، بنابراین در چاپیدن ایرانیان کوتاهی نمی کردند. حاکمان زمینه‌هایی را فراهم می ساختند تا با همدستی ترکمانان به نان و نوایی برسند. گاهی اوقات به بهانه سرکوب شورشیان و غیره، قشون خود را حرکت می دادند، اما به جای سرکوب مقصرین، رعایای خود را چپاول می کردند. یکی از این وقایع تاریخی در بین ترکمن ها واقعه تاریخی نردین و قتل خوانین گوکلان است که در اردیبهشت سال ۱۲۹۰ ش. / جمادی الاول ۱۳۲۹ ق. / مای ۱۹۱۱ م. به وقوع پیوست.

در دوره مورد اشاره به همت سفرنامه نویسان، مطالب سودمند و مهمی در خصوص گوکلان ها نگاشته شده است که هر یک از دیدگاه خود به ثبت وقایع پرداخته اند و از اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی گرفته تا مسائل اقتصادی، مذهبی، آداب و رسوم، اعتقادات عقاید و باورها، پوشش، نوع غذا، صنایع دستی و غیره را مورد دقت قرار داده اند. از جمله این سفرنامه ها کتاب «تحف بخارا» است که نزدیک به واقعه نردین نگاشته شده و در خصوص خاک ترکمن و سرسبزی و خرم بودن آن جا در چهار فصل سال و اعتدال مطالبی آمده است هم چنین از سیدقلیچ ایشان رهبر روحانی گوکلان ها که در بین ترکمن های ایران و روسیه مورد اعتماد و وثوق است یاد شده است.

نردین و ترکمن های گوکلان

شهر نردین یکی از شهرهای کوچک و مرکز منطقه نردین است که تا سال ۱۷۳۰ م. / ۱۱۴۲ ق. / ۱۱۰۹ ش. محل سکونت عده ای از عرب های اسکندری و منطقه ای کم اهمیت بود. بعدها عده ای از ایل شادلو به سرکردگی علی قلی خان^۴ از بجنورد در این محل سکنی گزیده و قلعه و بارو ساختند. (کارکنان وزارت جنگ انگلستان، ۱۳۸۰: ۱۰۲۸) موقعیت نردین به گونه ای بود که در مجاورت ترکمانان قرار داشت و این مجاورت و همسایگی گاهی اوقات منجر به درگیری و تنش می شد. به

^۴ - رئیس طایفه تیمورتاش شاخه ای از ایل شادلو بود که به همراه اقوام خود بجنورد را ترک و در نردین سکونت نمود و قلعه ای با هشت برج

ساخت. (کارکنان وزارت جنگ انگلستان، ۱۳۸۰: ۱۰۲۸)

طوری که در سال ۱۲۷۳ق. / ۱۸۵۷م. / ۱۲۳۵ش. فرج اله خان حاکم نردین در یک درگیری جمعی از ترکمانان را به قتل رسانید. (خورموجی، ۱۳۶۳: ۲۳۱) بار دیگر در سال ۱۲۸۸ق. / ۱۸۷۱م. / ۱۲۵۰ش. سهام الدوله ایلخانی در حوالی جاجرم در یک درگیری، جمعی از ترکمانان را مقتول کرد به طوری که گروهی از آن ها نیز مجبور به فرار شدند. (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۳: ۷۷) در روز نامه سفر خراسال به سال ۱۳۰۰ق. / ۱۸۸۳م. / ۱۲۶۲ش. آمده است که قلعه نردین خراب است. سه روستای تازه در سال های اخیر که از ناحیه ترکمانان تخریب شده بود توسط افراسیاب خان تعمیر و آباد شده است. کالپوش و نردین و روستاهای اطراف از مالیات معاف هستند. این روستاها به جهت جلوگیری از تجاوزات ترکمن ها در این سرحد و مرز قرار داده و آن ها را از مالیات معاف کرده اند. (امین لشکر، ۱۳۷۴: ۷۸) در سال ۱۳۰۳ق. / ۱۸۸۵م. / ۱۲۶۴ش. نیز آصف الدوله حاکم خراسان از اهمیت نردین گفته و از انتخاب فردی به نام محمودپاشا سلطان به عنوان مسئول توپ خانه که فردی هوشیار و بسیار معقول است خبر می دهد که به نایب الحکومتی به نردین اعزام شد. (آصف الدوله، ۱۳۷۷: ۹۷) از طرف دیگر ترکمانان نیز حملاتی به نردین داشته اند. در یکی از حملات آن ها که در سال ۱۹۰۹م. / ۱۳۲۷ق. / ۱۲۸۸ش. رخ داد دویست سوار از طایفه دوجی و گوکلان به نردین رفته و چند روستا را چپاول کردند. چند نفری را به قتل رسانده و به تعداد یکصد نفر شتر و دو سه بلوک گوسفند گرفته اند. اما در مسیر برگشت سالار مفخم بجنوری در سر راه آن ها قرار گرفته، اموال را پس گرفته و عده ی زیادی از ترکمن ها را هم به قتل رسانیده است. (مقصودلو، ۱۳۶۳: ۱۳۱) با این حال در مدتی کمتر از یک هفته بار دیگر گروهی از ترکمانان از نردین عبور کرده و قافله ای را چپاول نموده اند. (مقصودلو، ۱۳۶۳: ۱۳۳) در سندی دیگر به تاریخ ربیع الثانی ۱۳۲۸ق. / که از وزارت داخله به حاکم بجنورد نوشته شده، آمده است، طبق گزارشات رسیده تراکمه به طرف نردین و خراسان حرکت کرده اند شما را موظف به جلوگیری کرده، نگذارید که به اهداف خود برسند. (اسناد کتابخانه ملی ایران. ۱۷۴۷) تمامی این اخبار روابط متشنج و درگیری مداوم ترکمانان و نردینی ها را نشان می دهد که در طول این سالیان متمادی واقعه نردین با آن مواجه بوده اند.

زمینه های وقوع این واقعه تاریخی

این واقعه تاریخی در اردیبهشت سال ۱۲۹۰ش. جمادی الاول ۱۳۲۹ق. و می ۱۹۱۱م. رخ داد. بنا به گزارش های موجود در اسناد کتابخانه ملی و سایر منابع و نیز تاریخ شفاهی ترکمن ها ۱۸ نفر از خوانین گوکلان به رهبری محمد گلدی خان و نادر خان در نردین قتل عام شدند. اما این که این افراد چرا به قتل رسیدند! جای بسی سوال و تحقیق و پژوهش دارد که به نظر می رسد، محققین و

تاریخ نویسان به ویژه ترکمن پژوهان به آن کمتر توجه کرده اند. هر چند هنوز هم کسانی از ریش سفیدان و بزرگان ترکمن هستند که این واقعه تاریخی را سینه به سینه حفظ کرده اند. در این مقاله سعی شده است که با تاکید بر اسناد تاریخی به بررسی و واکاوی این واقعه پرداخته شود.

کنسولگری روس در استرآباد و کمیسر روس گنبد در تحریک و تهییج ترکمانان در مقاطع مختلف تاریخی نقش داشته اند. در همین راستا کمیسر روس ها در گنبد در بین ترکمانان یموت رفته آن ها را تحریک به اغتشاش می کند اما ترکمن ها چون از اهداف روس ها آگاه بودند تبعیت نکردند. (مقصودلو، ۱۳۶۳: ۳۱۰) چند ماه بعد گروهی از ترکمانان قریب به پانصد نفر به تحریک روس ها به شاهرود رفتند. هدف روس ها از این تحریکات بر این است که عقیده دارند که با نمایش آشوب در خط راه مشهد و عجز و ناتوانی دولت ایران، خط خراسان نیز به آن ها واگذار گردد. (مقصودلو، ۱۳۶۳: ۳۲۶) حتی در این راه بعضی از حاکمان ایرانی نیز با روس ها همراهی می کردند، از جمله امیر اعظم^۵ با همکاری روس ها، ترکمن های گوکلان را تحریک به حمله خراسان نموده تا به واسطه اغتشاشات، دولت مجبور شود که این خطه را به روس ها واگذار نماید. (مقصودلو، ۱۳۶۳: ۳۷۷) در نهایت باید اذعان نمود که تسلط بر این منطقه چنان قدرتی را از طرف شمال به دست می دهد که به دریای خزر تکیه داشته و بزرگترین قدرت متنفذ برای شرق و غرب ایران است. (کارکنان وزارت جنگ انگلستان، ۱۳۸۰: ۶۰۷)

بعضی منابع تاریخی نیز سردار معزز بجنوردی را عامل این فاجعه می دانند. ماتویف به نقل از سرهنگ لاوروف کنسول روس مستقر در گنبد قابوس می نویسد که؛ این قتل عام به دستور سردار معزز حاکم بجنورد در راستای بر هم زدن روابط حسنه دوجانبه نردینی ها و ترکمنان بوده است چرا که تا چندی قبل، نردین زیر نظارت بجنورد بوده اما اکنون زیر نظارت استرآباد در آمده است. (ماتویف، ۱۳۸۶: ۶۰)

در تاریخ دوره قاجار اصطلاحی به نام ساخلو داریم. ساخلو در لغت نامه معین به معنای پادگان، گروهی سرباز که در یک مکان ساکن شوند و به محافظت آن بپردازند معنی شده است. (معین، ۱۳۸۶: ۸۱۱) رابینو هم در باب معنی کلمه ساخلو می نویسد:

^۵ - نصرت اله خان معروف به "امیر اعظم" در ماه شوال ۱۲۹۶ هـ. ق (شهریور ۱۲۵۷ هـ. ش) در تهران متولد شد. وی دو بار در سال های ۱۳۲۴ و ۱۳۲۸ هـ. ق (۱۲۸۴ و ۱۲۸۸ هـ. ش) حاکم استرآباد شد تا عاقبت به سال ۱۲۹۵ هـ. ش در سن ۲۸ سالگی به دست اسماعیل خان شعاع لشکر به ضرب گلوله کشته شد. او را در عمارت خود واقع در باغ سرچشمه شاهرود به خاک سپردند. <http://meraatenews.com/content> سایت مرآت. ۱۴۰۰/۴/۱۵. ساعت ۱۳

« برای مقابله در برابر این حملات [ترکمن ها] بسیاری از دهاتیان اتک هر ساله مقداری برنج به کسی از روسای یموت می دهند. او در عوض بر عهده می گیرد که از آنها حمایت نماید. یا اگر از جانب یموت ها به آنها خسارتی متوجه شد، جبران نماید. این ترتیب را ساخلو می نامند.» (رابینو، ۱۳۳۶: ۱۳۶)

در تاریخ و ادبیات شفاهی ترکمن ها نیز به این اصطلاح برمی خوریم در گذشته در روستاهایی که با روستاهای فارس نشین همجوار بودند، افرادی با عنوان « ساخلو » یا « ساق لو » شناخته شدند که در قبال خدمتی که به اهالی روستای فارس نشین می کردند، حق الزحمه ای را از آنان دریافت می نمودند. این روستا نشینان بخاطر ترس از مورد دستبرد قرار گرفتن و حفظ امنیت جانی، مالی و ... حق ساخلو را پرداخت می کردند. افراد ساخلو دارای نفوذ در میان خود ترکمن ها نیز بودند. فرد ساخلو در قبال دریافت مبلغی پول نقد و یا کالایی دیگر، از آنان حفاظت و حراست می کرد. اگر چنان چه دزدی از اموال و احشام آن ها صورت می گرفت ساخلو به سرعت افراد را شناسایی کرده و اموال مسروقه را عودت می داد و نیز همکاری های مختلف دیگر حتی در تجارت و غیره می توانست وجود داشته باشد.

هم چنین، هر گاه نیاز به استفاده از چراگاه ها و مراتع مناطق ترکمن نشین بود، از مناطق مختلف قوچان، بجنورد، شاهرود، نردین و ... با کمک و هماهنگی همین افراد ترکمن وارد منطقه و مراتع مزبور شده و پس از بهره مندی و استفاده مراجعت می کردند. (روزنامه ایران، پنج شنبه پنجم رجب ۱۳۰۱: ۳)

در میان چنین تعاملاتی، ناگهان زمستان سال ۱۲۸۹ش. / ۱۳۲۹ق. / ۱۹۱۱م. سخت و طاقت فرسا شد. از همان اول زمستان برف و کولاک آغاز شده و موجب خسارت فراوان به دامداران و کشاورزان گردید. در یکی از گزارش های کتاب « مخابرات استرآباد » به تاریخ ۲۴ دی ماه ۱۲۸۹ش. آمده است: « این چند روزی استرآباد کولاک سختی نموده، یک شب و دو روز برف شدید ی آمده به سبب کثرت برف در صحرای یموت گوسفند و گاو زیادی تفریط شد. از قرار مذکور در اطراف اترک شتر و گوسفند تراکمه چاروا یموت بی اندازه تلف شده است.» (مقصودلو، ۱۳۶۳: ۲۵۹)

به نظر می رسد که این زمستان سخت و طاقت فرسا نه تنها در منطقه استرآباد و ترکمن صحرا بلکه در مناطق دیگر کشور نیز موجب قحطی شده بود که نمونه آن در اردیبهشت سال ۱۲۹۰ش. از اصفهان گزارش شده است:

« در اصفهان به علت قحطی و کمیابی نان عده ای از زنان دست به تظاهرات زدند، آنها به حالت اجتماع به اداره بلدییه رفته ضمن حمله به عمارت بلدییه و غارت اموال، رئیس بلدییه را به قتل میرسانند و جسد او را در میدان شاه آویزان می کنند.» (عاقلی، ۱۳۷۹: ۸۱۴)

بروز این قحطی موجب شد که در منطقه گوکلان هم مردم با مشکلاتی مواجه شوند، لذا خوانین ناگزیر برای تامین مایحتاج اولیه مردم و برای جلوگیری از مرگ و میر، جلسه ای تشکیل داده و با دعای خیر سید قلیچ ایشان، رهبر مذهبی ترکمن ها، جهت دریافت حق ساخلویی خود به رهبری محمد گلدی خان عازم منطقه نردین شدند تا مردم را از قحطی و خشکسالی نجات بدهند.

در نامه ای که محمد گلدی خان و نادر خان به منصور الممالک نایب الحکومه نردین نوشته اند، در عریضه نامه (اسنادکتابخانه ملی ۱۷۸۴-۲۹۳) و سفارشی که سردار معزز بجنوردی حاکم بجنورد نوشته به این مضمون آمده است که قرار بود چهل خروار گندم و جو که ایشان حواله کرده را از نردین تحویل بگیریم که شما هم ندادید! یعنی این که تحت عنوان مالیات یا ساخلو، طلب و بدهی و یا هر عنوان دیگری، نردینی ها حواله سردار معزز را بایستی به محمد گلدی خان پرداخت می کردند. احتمالاً چهل خروار گندم طلب محمد گلدی خان از سردار معزز بجنوردی بوده که به نردینی ها حواله شده بود و یا طلبی بود که وی از سردار معزز بجنوردی داشت. در ادامه محمدگلدی خان ضمن اشاره به این موضوع که سردار معزز با وی از در دوستی و برادری در آمده و موقع جمع آوری اولچه و یا همان حق ساخلو به کمک سواران وی جمع آوری می کردیم. امروز هم اگر چنانچه دوست دارید این دوستی ها پایدار بماند، سه سال مالیات [حق ساخلو] را پرداخت نمایید. به نظر می رسد که حق ساخلو، حق قانونی برای محمد گلدی خان بوده است که در مقابل حفاظت و حراست از مال و جان آن ها در مقابل تفاهم نامه ای هرچند نانوشته پرداخت می شد.

در بررسی گزارش های موجود از منابع و اسناد در چگونگی این رخ داد تاریخی را به نتایج دیگری می رسیم. در یکی از این گزارش ها که به تاریخ ۶ اردیبهشت ۱۲۹۰ ش. نوشته شده، آمده است که حمله خوانین گوکلان به تحریک سردار معزز بجنوردی بوده که محمد گلدی خان بر اثر این تحریکات به همراه ده نفر از خوانین دیگر گوکلان به قریه دازی که اول خاک بجنورد است آمده و اعلان داده که سواره های گوکلان در دازی مستقر هستند و تصمیم دارند که بعداً نیز نردین، شاهرود و بسطام را مورد حمله قرار دهند. (اسناد کتابخانه ملی ۱۷۵۴-۲۹۳)

ماتویف می نویسد که؛ محمد گلدی خان به دستور قلیچ ایشان، رهبر مذهبی تمام قبایل گوکلان به همراه ۱۷ نفر راهی نردین شد. هدف وی از مسافرت خرید گندم برای ساکنان قحطی زده روستاهای گوکلان و شرایط استمرار محافظت و ساخلویی از اهالی نردین بوده است. (ماتویف، ۱۳۸۶:

۶۰) بیان شرایط استمرار همان حق ساخلویی بوده که محمدگلدی خان از اهالی نردین دریافت می‌کرد و در قبال این تفاهم نامه نا نوشته، امنیت مالی و جانی را تضمین می‌کرد. همین نویسنده در ادامه به نقل از سرهنگ لاوروف کنسول روس مستقر در گنبد قابوس می‌نویسد که این قتل عام به دستور سردار معزز حاکم بجنورد در راستای بر هم زدن روابط حسنه دوجانبه نردینی‌ها و ترکمانان بوده است که تا چندی قبل، نردین زیر نظارت بجنورد بوده اما اکنون زیر نظارت استر آباد در آمده بود. (ماتویف، ۱۳۸۶: ۶۰) چه بسا که این حرف‌های لاوروف برای برآت خود و کشورش از این دسیسه‌ها باشد و پشت پرده تمامی این اغتشاشات خود روس‌ها باشند.

اما در اسناد کتابخانه ملی از آن به عنوان مطالبه مالیات یاد شده است. در نامه محمدگلدی خان به نایب‌الحکومه نردین آمده است:

« اگر شما می‌خواهید با شما دوستی بکنیم مالیات سه ساله نردین و حسین آباد رو نقد به آدم من بدهید بیاورند کلاته‌ها به من سند سپرده اند که مالیات بدهند شما هم سند بدهید که منبعد مالیات به من بدهید از بالای نردین به شاه رو‌ها و بلوک کلاته‌ها باید بروم که سند رو بگیرم. البته باید آدم همراه کنید اگر قبول ندارند خودتون متوجه باشید آشکار می‌آیم نردین را خراب می‌کنم. جواب زودتر مرحمت کنید.» (اسناد کتابخانه ملی ۱۷۸۴-۲۹۳)

روزنامه مجلس حضور خوانین گوکلان به سرکردگی محمدگلدی خان در نردین را تحت عنوان باج‌خواهی عنوان کرده و می‌نویسد:

« از قراری که از نردین رسیده محمدگلدی خان مشهور و نادر خان و نور کل خان با جمعی از خوانین و سرکرده‌های گوکلان به دو فرسخی نردین رفته و پیغام به نایب‌الحکومه نردین و قلعه جات توابعش باج و گندمی بما بدهند و... » (روزنامه مجلس، ۱۳۲۹: ۳)

هر کدام از منابع در خصوص این رخ داد تاریخی به موضوعی اشاره کرده‌اند. آنچه که مسلم است محمدگلدی خان و دیگر خوانین ترکمن به نردین رفتند تا قوم خود را از قحطی و خشکسالی که گریبانگیر آن‌ها شده بود نجات دهند.

بررسی اسناد دیگر در باره واقعه

ترکمن‌ها که در شرایط بسیار سخت و ناگواری به جهت قحطی و تلف شدن احشام خود در زمستان سخت سال ۱۲۸۹ ش. قرار گرفته بودند، در اردیبهشت سال ۱۲۹۰ ش. در روستای کریم ایشان محل استقرار سید قلیچ ایشان روحانی اعظم و رهبر مذهبی خود جمع شدند تا برای آخرین بار با سرداران و خوانین خود وداع نمایند. در این گردهمایی بزرگ، محمدگلدی خان به همراه ۱۷ نفر از خوانین ترکمن برای نجات مردمش از قحطی با دعای خیر سید قلیچ ایشان عازم نردین شد. شرح

واقعه را از اسناد مختلف بیان خواهیم نمود. در روز نامه مجلس مورخ شنبه ۲۱ جمادی الاول ۱۳۲۹ق. چنین آمده است:

« سابقا از بابت آمدن محمد گلدی خان به کلاته ها و خواستن مالیات عرض نموده چند روز قبل محمد گلدی خان با ۱۸ نفر سرکرده ورود به نردین می کند و از شکر اله خان پسر افراسیاب خان مطالبه مالیات می کند. شکر اله خان هم با کمال خصوصیت از آنها می پذیرد و می گوید شما دو سه روز در این جا مهمان من باشید هر چه بخواهید اطاعت می کنم. آنها هم قبول می کنند. پس از آن که خوب خاطر جمع می شوند و در نردین اطراق می کنند حضرات را دو دسته کرده و در دو محل منزل می دهند. سه ساعت از شب گذشته اجماعی بسر آنها ریخته همگی را دستگیر می کنند و فردای آن روز تمامی را سر بریده روز سه شنبه ۳ شهر جمادی الاول بود سر نه نفر از آنها را به شاهرود آوردند و سر نه نفر دیگرشان را برده اند به دهات اطراف نشان داده به شاهرود بیاورند. در حقیقت این جوان رشید غیرت مند خدمت بزرگی به اهالی اطراف شاهرود و رعایای بیچاره نموده و لاکن خطر بزرگی برای نردین در پیش است. اگر چنانچه حضرات تراکمه برای این مسئله حمله به نردین بیاورند جان و مالی برای اهالی نردین باقی نخواهد ماند خوب است اولیاء امور به هر قسم که می دانند حفظ نردین بفرمایند. » (روزنامه مجلس، ۱۳۲۹: ۳).

اما گزارش ماموری به نام هرمز که برای بررسی این واقعه تاریخی از تهران به نردین اعزام شده به شرح و مضمون ذیل نگاشته شده است: پس از صدور حکم برای تحقیقات قتل محمد گلدی خان با ۱۷ نفر دیگر از تراکمه به بلوک نردین مأمور شدم، ابتدا از دهات شاهرود، بسطام و استرآباد که همجواری خاک نردین بود به صورت محرمانه و مخفی از افراد بی طرف تحقیق و تفتیش کرده و اینک ماه حاصل گزارش به شرح زیر می باشد. شرارت و قتل و غارت گری هایی که محمد گلدی خان با سایر تراکمه از سال ۱۳۲۶ق. تا ۱۳۲۹ق. داشته چندین مورد می باشد. این فقره آخری که منجر به قتل وی شد و شرح واقعه آن است که در ابتدای سال ۱۳۲۹ق. محمد گلدی خان به نایب الحکومه نردین پیغام داد که چهل خروار گندم و جو باید بدهید و مالیات سه ساله ی نردین و حسین آباد را هم به آدم من تحویل نمایید. دیگر این که چون بلوک کلاته ها به من سند سپرده اند که مالیات سال آینده را به من بدهند، شما نیز سند بدهید و غیره. محمد گلدی خان قبل از رسیدن به نردین روستای کورنگ را غارت کرد. نایب الحکومه که خبردار شده بود درصدد مقابله بر آمد. اما محمد گلدی خان بر نردینی ها غلبه نمود. وقتی که محمد گلدی خان استعداد منصور الممالک را ضعیف دید، خود به همراه ۱۷ نفر از روسای تراکمه به نردین وارد شد تا نایب الحکومه را نیز با خود

همدست و هم عقیده نمایند. به محض ورود آنها نایب الحکومه درصدد پذیرایی از آنان برآمده و هر چند نفر از تراکمه را به یک خانه منزل می دهد. وقتی نردینی ها متوجه شدند تراکمه ۱۸ نفر بیشتر نیستند، اجماع کرده به خانه نایب الحکومه آمده و اظهار کردند که اینان قاتلین برادران و پدران ما هستند، این ها را باید کشت. هرگاه دولت نیز ما را در دیوان عدالت مواخذه نماید حاضریم جواب بگوئیم. بالاخره نایب الحکومه را راضی نموده درصدد قتل آنان برآمدند. تراکمه را در حالی که در بستر خواب بودند دستگیر کردند و فردای آن روز هم سر آن ها را بریدند و خود محمدگلدی خان را هم، نایب الحکومه به توپ بست. عین این واقعه همین است که به طور سری تحقیق نمودم.

امضا هرمز مفتش سری وزارت جلیله داخله. (اسناد کتابخانه ملی ۱۷۸۴-۲۹۳).

این واقعه تلخ تاریخی در اذهان عمومی ترکمن ها نیز ثبت و ضبط شده و سینه به سینه نقل شده است. بعد از این واقعه تاریخی، سید قلیچ ایشان در سرتاسر صحرای ترکمن جهاد مقدس اعلام کرد. ترکمن ها آماده حمله به نردین شدند. کشاورزان منطقه نردین که امیدی به کمک نیروهای دولتی نداشتند، خود را برای دفاع آماده ساختند. اما شرایط برای گوکلان ها سخت شده بود چون رهبران اصلی خود را از دست داده بودند و عملاً کسی نمی توانست آن ها را رهبری نماید. از طرف دیگر قحطی و سرمای سخت زمستان سال قبل بر گوکلان ها چندان اثر کرده بود که یارای هیچ گونه حمله ای را نداشتند، به گفته سرهنگ لاوروف:

« مردم بی توان و گرسنه، بسیاری از ایشان تنها به علف سبز سد جوع کردند. اسب ها پس از زمستان لاغرتر شده و فعلاً بدون جو مانده و برای پیکار مناسب نبودند. نگاه مردم به محصولات دوخته بود و گرسنگی سخت همه چیز را به طاق نسیان سپرده بود... و مردم بی صبرانه منتظر لقمه نانی بودند، تا این لحظه هر حمله ای دیوانگی بود.» (ماتویف، ۱۳۸۶: ۶۰)

با این شرایط حمله به نردین اصلاً به صلاح ترکمن ها نبود. بعد از این واقعه تاریخی گروهی از ترکمنان برای تحویل گرفتن اجساد به نردین رفتند، اما آنان نیز دستگیر و زندانی شدند، این اقدام نردینی ها، ترکمن ها را به هیجان در آورده و حمله به آنجا را قطعی نمودند. در همین حین ۲۷ اردیبهشت ۱۲۹۰ ش. عباسقلی خان سرتیپ قزاق گنبد به ساعد لشگر تلگراف نمود که ترکمنان به هیجان در آمده و هر آن ممکن است راهی نردین شوند، بهتر است هر چه سریعتر اجساد ترکمن را تحویل نمایم. (مقصودلو، ۱۳۶۳: ۲۶۴) به این ترتیب با دخالت حکومت اجساد خوانین به ترکمن ها تحویل داده شد و ترکمن ها کمی تسکین پیدا کردند.

البته ترکمن ها ساکت نشستند و با تمام مشکلاتی که با آن درگیر شده بودند، به مناطقی که دسترسی آسان داشتند حملاتی را پی ریزی کردند. یکی از این روستاها کرد محله بود که منجر به

اسارت یک نفر و کشته شدن چهار نگهبان شده و شماری از احشام آن ها نیز به غارت رفت. (ماتویف، ۱۳۸۶: ۶۰)

از تاثیرات این واقعه تاریخی آن که پس از کشته شدن خوانین گوکلان در نردین و چهار نفر از جعفربای یموت، بین آنان اختلاف پیش آمد. تصور هر دو گروه این بود که طرف مقابل در این رخ دادها دست داشته است. لذا در مراسم عروسی که قرار بود در خواجه نفس برگزار گردد، جوانان و اشرار دو طایفه مسلح حاضر شده بودند که ضمن بر هم زدن مراسم عروسی تولید فساد و هرج و مرج نمایند. اما با مطلع شدن سردار افخم در طهران و اطلاع آن به پسرش عباس قلی خان سرتیپ که حاکم گنبد قابوس بود و ساعد لشکر نایب الحکومه استرآباد، مانع این هرج و مرج شدند. (روزنامه مجلس، ۱۳۲۹: ۳)

می توان نتیجه گرفت که، هر چند ترکمن ها و خوانین آن ها در یک دسیسه به قتل رسیدند. اما این درگیری ها و نزاع ها از ناحیه هر دو طرف وجود داشت. از شواهد بر می آید که سردار معزز بجنوردی نیز در این دسیسه مشارکت داشت. روس ها نیز سیاست خودشان را در این راه خوب بازی کرده در پشت پرده تحریکات لازم را انجام می دادند.

محمد گلدی خان و همراهانش جهت دریافت حواله ای که سردار معزز داده و به عنوان طلب آن ها بود به نردین رفته بودند، که در راستای بر طرف کردن قحطی و خشکسالی بود نه جنگ و غارت. چرا که اگر هدف آن ها جنگ بود، اول این که نامه و عریضه برای حاکم نردین نمی نوشتند و رفتن و حمله آن ها به صورت پنهانی صورت می گرفت. دوم این که با تعداد بیشتری برای حمله و غارت می رفتند نه با ۱۸ نفر. همین طور بر اساس اسناد و مدارک موجود دیگر سردار معزز بجنوردی، محمدگلدی خان و سایر خوانین گوکلان را تحریک به این کار کرده بود. ممکن است در تحریک او روس ها هم نقش داشته باشند. هدف سردار معزز نیز بر هم زدن روابط حسنه بین گوکلان ها و نردینی ها بود. به نظر می رسد با این اقدام، سردار معزز علاقه مند بود که خود را نیروی بلامنازع منطقه معرفی کرده و هم چنان قدرت را حفظ نماید. اما بر اساس اسناد و شرایط آن روزگار می توان گفت؛ یکی از اهداف محمدگلدی خان و هم قطارانش، بی شک دریافت حق ساخلوبی بوده که به صورت قانون نا نوشته بود و از قبل آن رفع قحطی و گرسنگی و سیر کردن شکم افراد گرسنه هم در اولویت آنان قرار داشت نه کشتار و قتل و غارت که منجر به قتل خود آنان گردد.

به هر حال در این واقعه همراهان محمد گلدی خان همه سر بریده شدند و سر آنان در روستاهای اطراف در معرض نمایش روستائیان قرار گرفت. رهبر آنها محمد گلدی خان، پس از دیدن سرهای

بریده دوستان و هم قطارانش، بنا به درخواست خود او که دوست داشت مثل یک سردار بزرگ کشته شود به توپ بسته و جسدش بعد از شلیک توپ پاره پاره شد.

بعد از این واقعه نماینده ترکمن ها در مجلس دوم، آدینه محمد خان در جلسه ۲۵۸ مورخ شنبه ۱۲ شهر جمادی الثانی ۱۳۲۹ ق. ۱۹ خرداد سال ۱۲۹۰ ش. در مورد اتفاقات ترکمن صحرا از معاون وزارت داخله که جهت پاسخگویی در مجلس حاضر بود سوال کرده و انتظار خود جهت رسیدگی به اتفاقات افتاده را بیان داشت. وی عنوان کرد، مهتر کلایی ها ۸ نفر از هیزم کش های ترکمان را در جنگل استرآباد گرفتند و کشتند، پانزده روز قبل چهار نفر را حیدرقلی خان (کرد محله) دعوت کرده در بندر جز، شب آن ها را در منزل خودش جای داد همان شب آن ها را محاصره کرده یکی یکی سر آن ها را بردند، تقریباً یک ماه پیش از این ۱۸ نفر از خوانین گوکلان را حکومت به عنوان مهمان دعوت کرده اما نصف شب زیر لحاف سر آن ها را بریده، آیا دولت درباره این ۳۰ نفر مقتولین تراکمه اقدامی کرده است؟ حالا سوال می کنم که آیا دولت از این مقتولین صرف نظر کرده است یا خیر و در صورتی که صرف نظر کرده چه خیال کرده است!

عین صحبت های معاون وزیر داخله و نماینده ترکمن ها در مجلس آدینه محمد خان بشرح ذیل می باشد:

« معاون وزیر داخله - اما در مسئله دویم (کوکلان) نباید باشد در (نردین) باید باشد و این که تحقیقاً خبر رسیده است نردین است و در این خصوص از بعضی حکام مستفاد شده ولی آنچه تقریباً معین است محمد گلدی خان با قریب شصت نفر به طرف نردین حمله می کنند و می آیند آنجا مالیات حواله می دهند حاکم نردین هم استعدادی فراهم می کند و با آنها طرف می شود (۱۹) نفر از آنها را می کشند و بقیه فرار می کنند و این راپورتی است که از حکومت نردین رسیده است و اگر تلگراف تحسین آمیزی هم از وزارت داخله شده باشد البته در دفع اشرار حاکمی که موفقیت حاصل می کند تلگرافی که صادر می شود البته تحسین آمیز خواهد بود این راپورتی است که از آن حاکم می رسد و اما از حاکم شاهرود که شخصاً طرف اطمینان دولتند او هم این حرکت حاکم نردین را تحسین می کنند می گوید آن محمد گلدی خان و چند نفر از تراکمه (کوکلان) آمدند به نردین مالیات حواله کردند حاکم نردین هم در چنین وقتی چنین شجاعتی کرده است ولی وزارت داخله چون این مسئله را خیلی اهمیت می دهد یک مفتش سری معین کرده است و عنقریب راپورت این کار را خواهد داد ولی کاملاً نمی توانم بگویم که آنها مهمانان عزیز او بودند و آنها را به مهمانی دعوت کرده بوده است و کشته است مفاد راپورتها این بود ولی مفتش سری ما عنقریب راپورت صحیح را خواهد داد و حقیقت امر را به مجلس مقدس عرض خواهیم کرد اما در مسئله سؤال سیم بنده در وزارت داخله ندیدم ولی حاکم استرآباد تا پس فردا می رود به او

مخصوصاً دستورالعمل می‌دهم که در آنجا رسیدگی کند البته ترتیبی که احقاق حق باشد بعمل خواهد آمد و شاهزاده ظفرالسلطنه هم که می‌دانید احضار شده است و استرآباد در کمال نظم و امنیت است وزارت داخله از آنجا نگرانی ندارد و سردار افخم حاکم استرآباد است به دستورالعمل و قوه کافی همین چند روزه در شرف حرکت است و عنقریب رفع نگرانی نماینده محترم خواهد شد.

آدینه محمد خان - بنده آن دو فقره را مکرر نمی‌کنم در باب گوکلان که فرمودند صد نفری به نردین حمله کردند و مالیات مطالبه کرده‌اند بنده این را رد می‌کنم این طور نبوده است ترتیب استرآباد ترتیب دیگری است هر حکومتی که استرآباد رفته است ترتیب آنجا را می‌داند اهالی استرآباد به غیر از مالیات مستقیمی که می‌دهند یک ترتیب دیگری دارد و آن امنیت که تمام اهالی آنجا برای ملاحظه از سرقت و غیره اموال خودشان را به صاحب نفوذی می‌سپارند و آنها را مسئول قرار می‌دهند و سالیانه یک مبلغی می‌دهند در واقع حفظ مسروقه آنها است که می‌دهند محمد گلدی خان که حقوق ساخلوی خودش را مطالبه کرده است و حمله نکرده است آن هم حکومت قرارداد است که (۱۸ نفر) از کسان معروف خودشان را بیاورند پیش حکومت که قراردادی در آن کار بدهند که این حقوق شما را به یک جایی برسانیم بعد که وارد شدند همه را مقتول کردند. (سایت کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس، ۱۳۹۷، جلسه ۲۵۸)

ترکمن‌ها معمولاً نام کسی که فوت می‌کند را بر روی فرزندان خود می‌گذارند تا همیشه به یاد او باشند. این موضوع خاص در مورد افراد نامور و بزرگ وجود دارد. خوانین گوکلانی که در نردین به قتل رسیدند نیز هنوز نامشان زنده است. یکی از این نام‌ها، نام رهبر خوانین گوکلان در این واقعه تاریخی محمد گلدی خان است که پس از چند نام‌گذاری، هم نام محمد گلدی خان در روستای اورجنلی شهرستان کلاله ساکن و قریب به هفتاد سال سن دارد. ابیاتی از شعری که صحت قلی آخوند سعیدی در مدح و ستایش محمد گلدی خان سروده است، اما متأسفانه به ابیات کامل آن دسترسی پیدا نکردیم.

خاصی مامد گلدی خان اهلی تمک دیر ایل لری آرزو ایلاب گوزلسم سلطان ارندیر بگری
ناصرالدین شاه صفتلی خاصی مامد گلدی خان قول لاری حاتم صفتلی خاصی مامد زوری خان
(مصاحبه با آقای حاجی قربان آرتقی ۹۰ ساله، ۱۳۹۲ ش.)

نتیجه گیری:

این واقعه تلخ تاریخی در حالی رخ داد که حکومت قاجار به پایان خود نزدیک شده و حکومت مرکزی ایران به شدت در ضعف و سستی بسر می برد. دوران هرج و مرج و کشاکش بین انقلابیون مشروطه خواه و ضدمشروطه در همه جا نمایان بود. از طرف دیگر حضور نظامی روس ها در منطقه و دخالت های وقت و بی وقت آن ها در همه جا مشهود بود. روس ها علاقه مند بودند که در راستای اهداف استعماری خود به خط مواصلاتی و شاهراه حیاتی تهران، سمنان و شاهرود که منتهی به مشهد و خراسان می شد، دسترسی کاملی داشته باشند. برای دسترسی به اهداف خود چه بسا که به تحریک ترکمن ها جهت حمله به نقاط مسکونی می پرداختند. در مناطقی مثل استرآباد این درگیری ها شدیدتر بود. از طرف دیگر حضور محمد علی شاه مخلوع و ایجاد شورش و هیجان هایی در این منطقه مردم را سر در گم و بلاتکلیف کرده بود. در چنین شرایطی قحطی و زمستان سخت نیز که باعث مرگ و میر احشام و نابودی مزارع شده بود، مزید بر علت شد تا در این منطقه آشفتگی ها بیشتر شود. از طرف دیگر سوء مدیریت حاکمان محلی از استرآباد تا بجنورد و رقابت های پنهانی که در بین آنان برای به دست گرفتن قدرت وجود داشت، شرایطی را به وجود آورد که در نهایت منجر به واقعه نردین و قتل عام خوانین گوکلان شد.

کتابنامه:

- آصف الدوله، میرزا عبدالوهاب خان (۱۳۷۷)، **اسناد میرزا عبدالوهاب خان آصف الدوله**، به کوشش عبدالحسین نوایی و نیلوفر کسری، تهران: موسسه تاریخ معاصر ایران.
- اعتماد السلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۳)، **چهل سال تاریخ ایران**، به کوشش ایرج افشار، تهران: اساطیر.
- امین لشکر، میرزا قهرمان (۱۳۷۴)، **روزنامه سفر خراسان**، به کوشش ایرج افشار - رسول دریاگشت، تهران: اساطیر.
- خورموجی، محمدجعفر (۱۳۶۳)، **حقایق الاخبار**، بکوشش حسین خدیوچم، تهران: نشر نی.
- رایینو، ه.ل (۱۳۳۶)، **سفرنامه مازندران و استرآباد**، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- عاقلی، باقر (۱۳۷۹)، **روزشمار تاریخ ایران (۱)**، تهران: نشرگفتار.
- قورخانچی، محمدعلی (۱۳۶۰)، **نخبه سیفیه**، بکوشش منصوره اتحادیه، سیروس سعدوندیان، تهران: نشر تاریخ ایران. و نیز ر.ک. برای اطلاعات بیشتر به کتاب **تاریخ پیدایش و شکل گیری شهر کالاله**، نوشته ستاربردی فجوری، نشر مختومقلی، گرگان، سال ۱۳۹۳ ش.
- کارکنان وزرات جگ انگلستان مستقر در هندوستان (۱۳۸۰)، **فرهنگ جغرافیایی ایران خراسان**، ترجمه کاظم خادمیان، مشهد مقدس: آستان قدس رضوی.
- ماتویف، آم (۱۳۸۶)، **تاریخ مبارزات سیاسی، اجتماعی در استرآباد در عصر مشروطه**، محمد نایب پور، تهران: موسسه تحقیقات علوم انسانی.
- معین، محمد (۱۳۸۶)، **فرهنگ فارسی معین**، گرد آورنده عزیزاله علیزاده، تهران: نشر ادنا، چاپ چهارم ۲.
- مقصودلو، حسینعلی (۱۳۶۳)، **مخابرات استرآباد**، بکوشش ایرج افشار، ج ۱، تهران: نشر تاریخ ایران.
- میرزا سراج الدین، حاجی میرزا عبدالرئوف (۱۳۶۹)، **سفرنامه تحف بخارا**، دکتر محمد اسدیان، تهران: نشر بوعلی.
- وامبری، آرمنیوس (۱۳۷۴)، **سیاحت درویش دروغین**، فتحعلی خواجه نوریان، تهران: علمی و فرهنگی.
- روزنامه ایران**، پنج شنبه پنجم رجب ۱۳۰۱ ق.
- روزنامه مجلس**، شنبه ۲۱ جمادی الاول ۱۳۲۹ ق. ۲۰ مه ۱۹۱۱ م. شماره ۹۰، ص ۳.
- اسناد کتابخانه ملی ایران - ۱۷۴۷.**
- اسناد کتابخانه ملی ایران - ۱۷۵۴-۲۹۳.**
- اسناد کتابخانه ملی ایران - ۱۷۸۴-۲۹۳.**

سایت مرکز آمار ایران <https://www.amar.org.ir> – یکشنبه ۱۳۹۷/۹/۱۸ ش. روستای نردین در استان سمنان، شهرستان میامی، بخش کالپوش، برابر سرشماری سال ۱۳۹۵ ش. با ۱۲۹۰ خانوار و ۳۷۵۸ نفر جمعیت دارد.

سایت مرکز آمار ایران <https://www.amar.org.ir> – دوشنبه ۱۳۹۷/۹/۱۹ ش. روستای چقر در استان گلستان، شهرستان گالیکش، بخش قراولان، برابر سرشماری سال ۱۳۹۵ ش. با ۴۰۳ خانوار و ۱۳۱۵ نفر جمعیت دارد.

سایت مرکز آمار ایران <https://www.amar.org.ir> – دوشنبه ۱۳۹۷/۹/۱۹ ش. روستای کریم ایشان در استان گلستان، شهرستان مراوه تپه بخش گلیداغ، برابر سرشماری سال ۱۳۹۵ ش. با ۱۷۰ خانوار و ۶۲۰ نفر جمعیت دارد. بنای آجری حوزه ی علمیه و مسجدی که توسط سید قلیچ ایشان در اواخر دوره ی قاجاریه ساخته شده هنوز پا بر جا بوده و به عنوان یکی از جاذبه های تاریخی و گردشگری استان و شهرستان می باشد.

سایت کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، <http://ical.parliran.ir>، جلسه، ۲۵۸ صورت مشروح روز شنبه ۱۲ شهر جمادی الثانی ۱۳۲۹، دوشنبه ۲۶ آذر ۱۳۹۷ ش. تحقیقات میدانی و محلی مولف. این شعر هر چند ناقص توسط آقای حاجی قربان آرتقی (اون بگی)، روستای صادق آباد خوانده شده است. ۱۳۹۲/۳/۱۴ ش. هم چنین ضمن تشکر از شاعر بای محمد قلیچی که در بازخوانی و نوشتن اشعار کمک کردند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

nnnnmmmmfiiiiiii iii reeeeeenffffrrrr dnmndG&knnffffmndll
reason of slaughter

Sattarberdy Fajori/ Rajabali Vosoghi Motlagh/Omid Sepehrirad

Abstract

One of these tribes is the Turkmen, whose relations with the central government have varied during history. One of the events that led to the conflict between the Turkmen and the central government is the historical event of Nardin. This event is one of the most important historical events of the Turkmen that took place in the late Qajar period during the rule of Ahmad Shah Qajar. This historic event took place while the deposed Muhammad Ali Shah, in his unsuccessful attempt to gain power with the help of tribes and nomads, especially the Turkmen, and his presence in Gomesh Tappeh, had failed. In such a situation that the central power was weakened and disorder broke out in the country, there was a famine and a hard winter in 1289. It caused the Turkmen to face problems that eventually led to the Nardin incident and the assassination and massacre of the Turkmen families, Goklan. This study intends to investigate the Nardin incident by using the method of historical research, which is based on description and research, and by asking reason for the assassination and massacre of Goklan leaders and the cause of this incident. The research findings also indicate that the occurrence of famine, hunger and mismanagement of the rulers of Nardin and Bojnourd has caused this crisis.

Keywords:Iran, Turkmen, the Nardin incident, Goklan, families, famine, tribes and nomads